

بازپس‌گیری هدایای نامزدی در فقه اسلامی و قوانین مدنی ایران و افغانستان

Doi: 10.22034/fm.2025.508787.2187

محمدعمر مبارز،^۱ عباس نیکزاد،^۲ عبدالحکیم سلیمی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۶)

چکیده

نامزدی به عنوان وعده‌ای برای ازدواج، از نظر فقها به عنوان عقد الزام‌آور تلقی نمی‌شود و بنابراین، هر یک از طرفین می‌توانند به راحتی از آن انصراف دهند. پرسش اصلی تحقیق این است که با توجه به عدم الزام‌آور بودن نامزدی، وضعیت حقوقی هدایای مبادله‌شده در صورت فسخ آن چگونه است و معیار جواز یا عدم جواز استرداد این هدایا چیست؟ این پژوهش، به چگونگی بازگرداندن هدایای مبادله‌شده در صورت فسخ نامزدی با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی دیدگاه‌های مختلف مذاهب اسلامی (حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی و امامیه) و همچنین مقررات حقوقی دو کشور ایران و افغانستان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای فقهی در این زمینه متفاوت است. در فقه حنفی، هدایای نامزدی به عنوان «هبه» محسوب شده و بازپس‌گیری آنها در صورتی که عین هدیه باقی مانده باشد، جایز است، مگر در مواردی خاص مانند فوت یا دریافت عوض. در فقه مالکی و حنبلی، بازگشت هدایا بستگی به طرف فسخ‌کننده دارد؛ اگر خواستگار انصراف دهد، حق استرداد ندارد، اما اگر نامزد (زن) فسخ کند، استرداد هدایا واجب است. در فقه شافعی، به دلیل اصول اخلاقی نیکوکاری، بازپس‌گیری هدایا غیرمجاز است. در فقه امامیه، هدایای نامزدی با شرط ضمنی به امید وقوع ازدواج اعطا می‌شود؛ لذا در صورت فسخ نامزدی باید مسترد گردد. در قوانین مدنی ایران و افغانستان نیز تفاوت‌هایی در نحوه بازپس‌گیری هدایای نامزدی مشاهده می‌شود. در قانون افغانستان (ماده ۶۵) با تبعیت از فقه مالکی و حنابله حق استرداد هدایا به انصراف‌گیرنده بستگی دارد و اگر هدیه‌دهنده انصراف دهد، حق بازپس‌گیری ندارد. در قانون ایران (ماده ۱۰۳۷) هدایای مصرفی پس از استفاده غیرقابل بازگشت هستند، اما هدایای غیرمصرفی مانند طلا باید عیناً مسترد شوند و هدیه‌دهنده حق رجوع دارد.

کلیدواژه‌ها: بازپس‌گیری، نامزدی، هدیه، هبه، قانون مدنی.

۱. دانشجوی دکتری فقه مقارن، واحد گرگان، جامعه المصطفی‌العالمیه، گرگان، ایران (نویسنده مسئول) /

mubarezomar9@gmail.com

۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل، بابل، ایران /

nikzad1214@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد قم، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران / a.hakimsalimi@gmail.com

طرح مسئله

نامزدی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین مدنی وعده برای ازدواج است، به عنوان یک عقد حقوقی محسوب نمی‌شود و بنابراین هر یک از طرفین می‌توانند بدون الزام قانونی از آن انصراف دهند. اما از دیدگاه اخلاقی و اجتماعی نقض این وعده بدون دلیل موجه ناپسند شمرده می‌شود. این موضوع به‌ویژه در مواردی چالش‌برانگیز می‌شود که هدایایی میان طرفین ردوبدل شده است و سپس نامزدی فسخ شود، پرسش اصلی این است که در صورت فسخ نامزدی، آیا بازپس‌گیری این هدایا از نظر فقهی و حقوقی جایز است؟

فقه اسلامی بر پایه اصل «وفای به عهد» با استناد به آیه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَتْ مَسْئُولًا» بر احترام به تعهدات تأکید دارد و اما از سوی دیگر، نامزدی فاقد اثر حقوقی الزام‌آور است. در جوامعی مانند ایران و افغانستان که نظام حقوقی آنها تلفیقی از فقه و قوانین مدنی است، موجب بروز اختلافات عملی می‌شود. در حقوق ایران، ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی به‌صراحت مقرر می‌کند: «هر یک از نامزدها می‌واند در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شود؛ مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد». این حکم مبتنی بر فقه امامیه است که هدایای نامزدی را «هبه با شرط نتیجه» (ازدواج) تلقی می‌کند. از نظر فقه حنفی نیز همان‌طور که در فقه امامیه آمده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع به هبه کنند. اما نظام حقوقی افغانستان با وجود تأثیرپذیری از فقه حنفی، در این زمینه از فقه حنفی عدول کرده و طبق دیدگاه مالکیه و حنابله عمل نموده است و بازگرداندن هدایا را منوط به شرایط خاصی کرده است. این تفاوتها در رویکردهای فقهی و حقوقی نیازمند بررسی تطبیقی برای روشن‌سازی جوانب مسئله است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی منابع فقهی و قوانین مدنی ایران و افغانستان، به تحلیل بازپس‌گیری هدایای نامزدی از نظر فقهی و حقوقی می‌پردازد و تفاوت‌های مبنایی دو نظام حقوقی در مواجهه با این مسئله و راهکارهای کاهش اختلافات ناشی از آن را بررسی می‌کند.

مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به اصل بحث، برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع بررسی می‌شود تا زمینه‌ای مناسب برای درک بهتر مطلب فراهم شود.

۱. نامزدی

از نظر فقه اسلامی نامزدی یا خطبه تنها وعده‌ای برای ازدواج است و هیچ‌یک از احکام ازدواج بر آن مترتب نمی‌شود (زحیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۵۰۸). آنچه در این روایت آمده است: «لا یخطب أحدکم علی خطبة أخیه حتی ینکح أو یترک» (شیبانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۶، ص ۲۲۷). هیچ‌یک از شما نباید برای خواستگاری به سراغ زنی برود که برادرش (در دین) قبلاً برای خواستگاری او رفته است، مگر اینکه آن شخص ازدواج کند یا از خواستگاری انصراف دهد. همه می‌دانند که در اینجا خواستگاری به معنای وعده ازدواج است، نه خود ازدواج. در ماده ۶۴ قانون افغانستان تصریح شده است: «نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است، هریک از طرفین می‌تواند از آن منصرف شود». از نظر نظام حقوقی ایران در صورتی که از طرف مردی نسبت از زنی خواستگاری شود که بعداً با او ازدواج نماید و زن موافقت کند، آن را در اصطلاح عرف نامزدی گویند و هر یک از آن دو نامزد دیگری خوانده می‌شوند. پیشنهاد زناشویی از طرف مرد و موافقت زن با این امر ایجاد تعهد به انعقاد زوجیت نمی‌کند؛ هم‌چنان که موجب پیدایش علقه زوجیت نمی‌گردد، بلکه نامزدی وعده ازدواج است که تعهد اخلاقی ایجاد می‌نماید. در صورتی که خواستگاری مبنی بر اشتباه در شخص طرف یا مبنی بر تدلیس یا اکراه باشد غیرنافذ است. راجع به این امر ماده‌ای در قانون مدنی موجود نیست، ولی می‌توان آن را از مواد مربوطه به تعهدات استنباط نمود؛ زیرا وعده درجه ضعیف از تعهد به‌شمار می‌رود که وعده‌دهنده می‌تواند آن را بر هم زند به دلیل اینکه در حقوق ایران و افغانستان نامزدی صرف وعده برای ازدواج در آینده است و به معنای تحقق عقد (ایجاب و قبول) نکاح محسوب نمی‌شود. در حالی که در نامزدی چنین ایجاب و قبولی وجود ندارد. بنابراین نامزدی که از پیشنهاد مرد و موافقت زن حاصل می‌شود، فاقد ارکان اساسی عقد نکاح است و آثار حقوقی آن را ایجاد نمی‌کند و صرفاً جنبه‌ای اخلاقی و اجتماعی دارد. نامزدی مدت ندارد و مادام که یکی از زوجین آن را بر هم نرزه است باقی خواهد بود. این است که ماده «۱۰۳۵» قانون مدنی

می‌گوید: «وعدۀ ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند؛ اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد. بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی بنماید» (امامی، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ص ۲۷۱). این ماده نشان می‌دهد که نامزدی وعده به ازدواج است هیچ‌گونه الزام قانونی به برقراری ازدواج وجود ندارد و هر یک از طرفین حق دارند از این وعده صرف نظر کنند.

۲. هبه

هبه از منظر اهل لغت «به کسی چیزی را دادن» به معنای بخشیدن چیزی است؛ چنان‌که می‌گویند: «وهبت له شیئاً وهباً» (با سکون یا فتح هاء) و «وهبة» و اسم آن «الموهب» یا «الموهبة» (با کسره‌ها در هر دو) است و هم‌چنین «الإتهاب» به معنای پذیرش هبه، و «الإستیهاب» به معنای درخواست هبه است. «تواهب القوم» به معنای این است که برخی از آنها به برخی دیگر چیزی بخشیدند. واژه «وهب» نیز اسمی است که از همین ریشه مشتق شده است؛ چنان‌که گفته می‌شود: «وهبت لك الشيء وهباً ووهبة وموهبة»، یعنی آن را بخشیدم و «إتهب» وقتی گفته می‌شود، که آن را پذیرفت باشد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۶، ص ۱۴۷؛ بعلی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۵۲). در اصطلاح هبه عبارت است از بخشش چیزی که گیرنده آن از آن بهره‌مند می‌شود. این بخشش ممکن است به صورت عین، دین یا حتی غیرمالی باشد عطیه‌ای است که بدون عوض و غرض اعطا می‌شود. در هبه انتظاری برای منفعت نیست (رصاع، ۱۳۵۰ق، ص ۴۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۴).

۳. هدیه

هدیه در معنای لغوی به تحفه، ارمغان و پیشکش است (معین ۱۳۸۷ش، ص ۱۲۳۳). در جای دیگر به معنی جایزه، تشویق و پاداش آمده است (زراعت، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۷). در معنای اصطلاحی به تملیک مال به طور مجانی با انتقال از موضعی به موضع دیگر به قصد تعظیم و اکرام (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۹۳) و تملیک مالی به قصد تعظیم و اکرام از طرف کسی که مقام اجتماعی پایین تری دارد به دیگری که مقامش بالاتر از اوست

(امامی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۴۳۶). به علاوه به بخشش و اعطای چیزی بدون عوض به دیگری که معمولاً به قصد گرمی‌داشت و اکرام صورت می‌گیرد تعبیر شده است (انصاری، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۲۲).

فقه‌ها، هدیه را به عنوان اخص از هبه معرفی نموده‌اند. از این رو هدیه را نیازمند شرایط دیگری علاوه بر هبه دانسته‌اند؛ از جمله شرایط حقوقی هدیه این است که از یک سو مال قابل نقل از مکانی به مکان دیگر باشد و از سوی دیگر به قصد تعظیم و اکرام داده شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ص ۹). هدیه چیزی است که دهنده هدیه به منظور نزدیکی و تقرب به گیرنده آن تقدیم می‌کند، اما در مورد هبه چنین نیست. به همین دلیل نمی‌توان گفت خداوند به بندگانش «هدیه می‌دهد»؛ اما می‌توان گفت «او به بندگانش هبه می‌کند». خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا؛ وَ مِنْ اَز بَسْتِگَانِ پَس اَز خُود بِيْمِنَاكَمْ وَ هَمْسِرَمْ نَازَاَسْتِ؛ پَس اَز جَانِبِ خُود، وَلِيٌّ وَ جَانِشِيْنِي بَه مِنْ عَطَا كُنْ» (مریم، ۵). هم‌چنان گفته می‌شود: «مرئوس به رئیس هدیه داد» و «رئیس به مرئوس هبه کرد» (عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۷). اصل واژه هدیه از «هدی الشئ» گرفته شده است؛ زیرا چیزی که به عنوان هدیه داده می‌شود، پیشاپیش نیاز ارائه می‌شود. به همین دلیل به آن هدیه می‌گویند (همان‌جا). در مجموع هدیه در سایر احکام و موارد همان هبه است و فقط تفاوتشان در هدف دهنده است و شاید همین هدف در هبه دهنده نیز موجود باشد.

عرف نامزدی در اسلام و غرب

در نظام حقوقی اسلام، فرایند تشکیل خانواده از دو مرحله اصلی عبور می‌کند: خواستگاری و نامزدی. مرحله خواستگاری به عنوان نقطه آغازین شناخته می‌شود، جایی که دو خانواده برای بررسی امکان ازدواج وارد مذاکره می‌شوند. این مرحله غیرالزام‌آور است و معمولاً هدیه‌ای ردوبدل نمی‌شود (دیانی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۱؛ صفایی، ۱۳۸۴ش، ۳۶). از نگاه فقهی، خواستگاری مبتنی بر اصولی مانند رعایت حریم نگاه است؛ به عنوان مثال، نگاه کردن به نامزد تنها یک‌بار و در صورت ضرورت مجاز شمرده شده است و پس از موافقت اولیه، مرحله نامزدی یا «وعده ازدواج» آغاز می‌شود. این دوره اگرچه در حقوق ایران و افغانستان به عنوان تعهدی الزام‌آور شناخته نمی‌شود، اما حداقل آثاری شبه-

قراردادی دارد. برای مثال، اگر یکی از طرفین بدون دلیل موجه از ازدواج منصرف شود، ممکن است ملزم به جبران خسارت شود. در این مرحله ردوبدل هدایا مرسوم است، اما از نظر فقهی، نامزدی به شکل مستقل مشروعیت ندارد و نص صریحی در قرآن یا سنت درباره آن وجود ندارد (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۲۱۹؛ بهجت، ۱۳۷۰ش، ص ۱۹۶). فقهای اسلامی عموماً با نامزدی به سبک رایج امروزی مخالفند از دید آنان، دختر و پسر در دوران نامزدی محرم محسوب نمی‌شوند و هرگونه ارتباط پیش از عقد (مانند معاشرت، گردش یا صحبت‌های غیرضروری) حرام است (ر.ک: تبریزی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۳۰). تنها استثنا، نگاه کردن یک‌باره به نامزد برای شناخت ظاهری است، آن هم در شرایط ضرورت و بدون تکرار این محدودیتها نشان می‌دهد که نامزدی در اسلام ریشه شرعی ندارد و بیشتر یک رسم عرفی است که با احتیاطهای فقهی همراه شده است.

در مقایسه با عرف غربی، نامزدی در اسلام به هیچ وجه به معنای «دوره آزمایشی» یا همزیستی پیش از ازدواج نیست. در فرهنگ اسلامی، این مرحله صرفاً شامل مذاکرات خانوادگی و برنامه‌ریزی برای عقد است، نه ایجاد رابطه عاطفی یا فیزیکی (حمیتی واقف، ۱۳۸۶ش، ص ۳۱). حتی اگر هدایایی در این دوران ردوبدل شود، از نظر فقهی تعهدی ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه به صورت شرط ضمنی یا هبه با قصد الزام‌آور باشد. درنهایت، نامزدی در اسلام بیشتر یک سازوکار حقوقی-عرفی است که با محدودیت‌های شرعی همراه شده است. فقها اجازه نمی‌دهند این مفهوم به گونه‌ای گسترش یابد که با اصول دینی درباره حریم روابط زن و مرد در تعارض باشد. بنابراین، هرگونه پذیرش حقوقی نامزدی باید در چارچوب ضوابط فقهی و بدون تضعیف اصول شرعی صورت بگیرد، اما باید توجه داشت که نامزدی به صورت متعارف غرب فاقد جواز شرعی و از تأسیسات حقوقی غیراسلامی است، ولی در عرف اسلامی این مقدار متداول بوده و هست که قبل از اجرای صیغه نکاح، با مشارکت افرادی از دو طرف ازدواج، مذاکرات مقدماتی و اصطلاحاً خواستگاری صورت می‌گیرد که همراه با تشریفات و مراسمی است و برای طرفین مخارجی را در بر دارد. در اسلام نیز مرسوم بوده است که زوج قبل از نکاح می‌توانست مالی به زوجه بدهد و بعد با او ازدواج کند یا اینکه ازدواج صورت نگیرد. بحث اساسی این تحقیق روی بازپس‌گیری هدایایی است که در این مدت تقدیم شده است.

حکم بر هم زدن نامزدی

نامزدی و عده به ازدواج است تا اکنون عقد منعقد نشده است ممکن است قبل از اجرای عقد بر هم زده شود در این مبحث حکم بر هم زدن نامزدی بررسی می‌شود.

۱. بر هم زدن نامزدی در فقه اسلامی

۱-۱. بر هم زدن نامزدی از منظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در حکم بازگشت از خطبه و فسخ آن قبل از عقد اختلاف نظر دارند و در این زمینه دو قول وجود دارد:

قول اول: حنفیها، شافعیها و حنبلیها معتقدند که خطبه عقد شرعی نیست، بلکه تنها وعده به ازدواج است. حتی اگر آن را به عنوان عقد تصور شود، الزام‌آور نیست هر دو طرف عقد می‌توانند از آن انصراف بدهند. همچنین برای «ولی دختر» نیز کراهتی ندارد که به خواستگار پاسخ رد بدهد اگر مصلحت دختر در این باشد عقد ازدواج یک عقد دائمی است، بنابراین دختر و پسر حق دارند به نفع خود تصمیم بگیرند و وضعیت آینده‌شان را در اولویت قرار دهد. اگر انصراف از خطبه به دلیل غیرموجهی صورت بگیرد، این کار مکروه است؛ زیرا به معنای شکستن وعده و بازگشت از گفته قبلی است، اما حرام نیست؛ زیرا هنوز هیچ الزامی برای آنها ایجاد نشده است، مشابه کسی که کالایی را برای فروش پیشنهاد می‌دهد و سپس تصمیم می‌گیرد آن را نفروشد (ابن نجیم مصری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۹؛ بهوتی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۰).

قول دوم: مالکیها معتقدند که اگر مردی به زنی تمایل پیدا کرده و سپس به شکل قطعی خواستگاری (وعده به ازدواج) داده شود، مکروه است که آن را ترک کند (خرشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۶).

به نظر می‌رسد قول اول، که مذهب غالب فقهاست، صحیح‌تر است؛ زیرا ازدواج یک رابطه دائمی و مهم‌تر است و لازم است قبل از پیوند با شریک زندگی در این رابطه مهم به دقت بررسی کرد. همچنین، خطا در این زمینه اثرات بزرگی بر روی خانواده‌ها و جوامع دارد. ضرر حاصل از فسخ خطبه به مراتب کمتر از ضرر ناشی از ازدواج اشتباه است و برای دفع ضرر بزرگ‌تر باید ضرر کوچک‌تر را پذیرفت.

۱-۲. بر هم زدن نامزدی از منظر فقهای امامیه

در فقه امامیه، نامزدی به عنوان وعده اخلاقی برای ازدواج تلقی می‌شود و از نظر شرعی، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد. این بدان معناست که نامزدی صرفاً یک تعهد اخلاقی و غیرالزام‌آور است و طرفین می‌توانند بدون هیچ‌گونه مسئولیت شرعی یا حقوقی، آن را بر هم بزنند. هر یک از طرفین قبل از وقوع عقد نکاح، حق دارند از وصلت امتناع کنند و هیچ عاملی نمی‌تواند آنان را به ازدواج مجبور نماید. فقهای امامیه تأکید می‌کنند که نامزدی تنها وعده ازدواج است و هیچ‌گونه آثار حقوقی یا شرعی مانند عقد ازدواج ندارد. از این رو طرفین می‌توانند بدون نیاز به ارائه دلیل یا عذر موجه، نامزدی را بر هم بزنند و طرف دیگر نیز نمی‌تواند آنان را به ازدواج مجبور کند یا خسارتی بابت صرف امتناع از ازدواج مطالبه نماید. این رویکرد، بر پایه اصل آزادی در ازدواج و احترام به اختیار فردی استوار است (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۳۴).

۲. بر هم زدن نامزدی در حقوق مدنی ایران و افغانستان

۱-۲. قانون مدنی ایران: عدم الزام به ازدواج و حق امتناع

طبق صریح ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی هر یک از نامزدها می‌تواند از وصلت امتناع کند، خواه این امر علت موجه داشته یا بدون علت موجه باشد و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج نماید؛ زیرا نامزدی وعده ازدواج است و تعهد در آن نیست و اما نامزدها می‌توانند به وسیله قرارداد خصوصی تعهد نمایند که هر کدام از انعقاد نکاح امتناع کند وجه التزام معینی را به طرف دیگر بپردازد؛ که در این صورت آنان ملزم هستند طبق تعهدی که کرده‌اند رفتار نمایند، زیرا قراردادهای خصوصی طبق ماده «۱۰» قانون مدنی در صورتی که مخالف صریح قانون یا اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد صحیح است و قرارداد مزبور بر خلاف هیچ‌یک از آنها نیست و قانون نیز بطلان آن را در مورد نکاح اعلام نداشته است.

اما نظر امامی در اینجا اندک متفاوت است او معتقد است که مرد و زن می‌توانند با یکدیگر تعهد به ازدواج نمایند و تعهد مزبور طبق ماده «۱۰» قانون مدنی منعقد گردیده و الزام‌آور است؛ زیرا تعهد به نکاح مانند تعهد به انجام معاملات است و چنانچه نامزد متعهد

به میل خود آن را انجام ندهد از طرف دادگاه الزام به انجام می‌گردد و هرگاه امتناع نماید به وسیله مأمور دادگاه عقد ازدواج منعقد می‌گردد (امامی، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ص ۲۷۱).

۲-۲. قانون مدنی افغانستان: حق انصراف بدون مسئولیت

بر اساس قانون مدنی افغانستان، نامزدی به عنوان یک مرحله مقدماتی برای ازدواج در نظر گرفته می‌شود و هیچ‌گونه تعهد حقوقی یا اخلاقی الزام‌آور میان طرفین ایجاد نمی‌کند. این قانون به صراحت حق انصراف از نامزدی را برای هر یک از طرفین به رسمیت شناخته است، به این معنا که نامزدها می‌توانند در هر مرحله‌ای و بدون نیاز به ارائه دلیل یا عذر موجه، از نامزدی انصراف دهند و از یکدیگر جدا شوند.

قانون مدنی افغانستان تأکید می‌کند که نامزدی صرفاً یک وعده ازدواج است و هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر الزام به ازدواج یا پرداخت خسارت به دلیل انصراف از نامزدی ایجاد نمی‌کند. حتی اگر هدایایی بین طرفین ردوبدل شده باشد، این امر به خودی خود تعهدی برای ادامه نامزدی یا ازدواج ایجاد نمی‌کند. البته، بحث هدایا و هزینه‌های مرتبط با نامزدی به صورت جداگانه و بر اساس قواعد عمومی حقوقی قابل بررسی است. به عبارت دیگر، قانون مدنی افغانستان بر آزادی فردی و اختیار طرفین در تصمیم‌گیری درباره ازدواج تأکید دارد و هر گونه اجبار یا الزام به ازدواج را مردود می‌داند. این رویکرد همسو با اصول حقوقی و اخلاقی است که بر رضایت و اختیار کامل طرفین در امر ازدواج تأکید می‌کنند.

نظرات فقهی راجع به استرداد هدایای نامزدی

بازگرداندن هدایای نامزدی از مسائل مهم حقوقی است. این هدایا معمولاً نشانه علاقه و تعهد میان دو طرفند، اما اگر نامزدی بر هم بخورد، موضوع پس‌گرفتن آنها مطرح می‌شود. قانون و فقه نیز در این زمینه مقررات مشخصی دارند که در ذیل بررسی می‌شود.

۱. نظریه امکان استرداد بی قید و شرط

از نظر فقه حنفیه هدایا در دوران نامزدی به‌عنوان هبه محسوب می‌شوند و برای اهداکننده (خاطب) حق رجوع وجود دارد (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳؛ رومی بابرتهی، بی‌تا،

ج ۹، ص ۴۳). این نظر متعلق به فقه حنفی است. فقهای مذهب حنفی گفته‌اند که هدایا در دوران نامزدی حکم هبه دارند و واهب (هدیه‌دهنده) حق دارد از آنچه هبه کرده است بازگردد، زیرا رجوع در هبه مالکیت موهوب‌له (هدیه‌گیرنده) را پایان می‌دهد. بنابراین مالکیت هبه‌شده برای موهوب‌له باقی است تا زمانی که واهب از آن بازگردد. از این رو اگر چیزی که هبه شده کنیز باشد، اصل مالکیت به واهب باز می‌گردد، اما هر افزایشی که در دوران مالکیت موهوب‌له ایجاد شده باشد، بدون عوض متعلق به او خواهد بود. این بدان دلیل است که هبه عقدی تبرعی است و به‌خاطر ضعف ذاتی‌اش، الزام به مالکیت دائمی ایجاد نمی‌کند (همان‌جا). در فقه حنفی مواردی بیان شده است، که با وجود آن نمی‌توان به هبه رجوع کرد، که در ذیل بیان می‌شود.

۱-۱. فوت واهب یا موهوب‌له

با فوت موهوب‌له، ملکیت به وارثان انتقال می‌یابد و وضعیت مانند حالتی است که ملکیت در حیات منتقل شده باشد. هم‌چنین اگر واهب فوت کند، وارث او نسبت به قرارداد بیگانه محسوب می‌شود و حقی در بازگشت هبه ندارد (مرغینانی، ۲۰۰۹م، ص ۱۵؛ عینی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۲۴۰؛ خرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۳؛ نووی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۸۴؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۶۸۲؛ رصاع، ۱۳۵۰ش، ص ۲۲). در ماده «۱۲۰۶» قانون مدنی افغانستان تصریح شده است: «هرگاه یکی از طرفین عقد هبه، بعد از قبض آن فوت نماید، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد».

۱-۲. دریافت عوض برای هبه

اگر موهوب‌له به واهب بگوید: «این را به‌عنوان عوض برای هبه‌ات یا به‌جای آن یا در برابر آن بگیر» و واهب عوض را بپذیرد، حق رجوع ساقط می‌شود؛ زیرا مقصود تحقق یافته است. این عبارات همگی معنای یکسانی دارند. اگر شخصی دیگر به‌جز موهوب‌له، به‌صورت داوطلبانه عوض را به واهب بدهد و واهب آن را بپذیرد، حق رجوع نیز باطل می‌شود؛ زیرا عوض برای اسقاط حق است و پذیرش آن از شخص ثالث نیز معتبر است، همانند موارد عوض در خلع و صلح (مرغینانی، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۲۳۶؛ نووی، بی‌تا،

ج ۱۵، ص ۳۸۴). چنان‌که در ماده «۱۲۱۱» ق.م.ا. چنین منعکس شده است: «هرگاه هبه به مقابل عوض صورت گرفته باشد، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد».

۱-۳. خروج عین موهوبه از ملک موهوب‌له

اگر عین موهوبه از ملکیت موهوب‌له خارج شود، بازگشت به هبه ممکن نیست؛ زیرا انتقال ملکیت به دلیل اختیارات و تسلطی که موهوب‌له بر آن داشته، صورت گرفته و این انتقال قابل نقض نیست. هم‌چنین با تغییر وضعیت ملک، سبب جدیدی برای ایجاد مالکیت به وجود آمده است (عینی، ۲۰۰۰م، ج ۹، ص ۴۴).

۱-۴. هلاکت عین موهوبه در دست موهوب‌له

از دیدگاه حنفیه این است که بازگرداندن هدایا فقط در صورتی واجب است که هدایا موجود باشند و اگر هدایای داده‌شده از بین رفته باشند، بازگرداندن آنها الزامی نیست؛ زیرا پس از هلاک امکان رجوع وجود ندارد عین موهوبه نیز بر موهوب‌له ضمان‌آور نیست. گفته شده است: «اگر موهوب‌له ادعای هلاک کند، تصدیق می‌شود»، زیرا وی منکر وجوب رد عین است و در این حالت همچون امانت‌دار تلقی می‌شود (زیلعی، ۱۳۱۳ق، ج ۵، ص ۱۰۱؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۶۸۲). ماده «۱۲۱۰» در بند «۱» در این زمینه مقرر داشته است: «هرگاه عین موهوبه تلف گردد یا از بین برده شود، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد».

هم‌چنین در این موضوع تفصیل قائل شده‌اند و بازگرداندن هدایا را در صورتی که عدول از سوی خواستگار باشد، بر نامزد الزامی نکرده‌اند، تا از اجتماع دو ضرر بر نامزد جلوگیری شود: یکی ضرر ناشی از انصراف از خواستگاری و دیگری ضرر بازگرداندن هدایا. با توجه به اینکه هبه یک عقد جایز است و جواز آن به وسیله قرآن، سنت و اجماع ثابت شده است، هدایا به صاحب آن بازگردانده می‌شود مگر اینکه مانعی شرعی برای بازگشت آنها وجود داشته باشد (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳؛ رومی بابرته، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۳).

دلایلی حنفیه برای بازپس‌گیری هدیه پس از فسخ نامزدی به آنها استدلال نموده‌اند، به شرح ذیل است:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ و هنگامی که به شما تحیتی داده شد، با بهتر از آن پاسخ دهید یا آن را بازگردانید. همانا خداوند حسابگر همه چیز است» (نساء، ۸۶). در این آیه، کلمه «تحیت» به معانی مختلفی چون سلام، ستایش و هدیه مالی استفاده شده است. اما طبق قرینه‌ای از خود آیه، تفسیر مناسب این واژه، هدیه مالی است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «أَوْ رُدُّوهَا» (یا آن را بازگردانید). بازگرداندن تنها در اموال عینی ممکن است، نه در موارد غیرعینی قاعده این است که مشترک یکی از معانی آن با دلیل معین می‌شود (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۹۴؛ ابن‌مازه، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۹). در اینجا معنی تحیه در آیه مشخص می‌شود که منظور آن هدیه است چون آیه (او ردوها) بر بازگرداندن هدیه به صاحبش دلالت دارد که این تنها با پذیرش امکان بازپس‌گیری در هبه سازگار است، مگر اینکه مانعی شرعی برای آن وجود داشته باشد (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۲۸؛ ابن-عربی، ۲۰۰۹م، ج ۱، صص ۴۶۶-۴۶۵).

هم‌چنین در سنت پیامبر اکرم ﷺ نیز آمده است: «الْوَاهِبُ أَحَقُّ بِهَيْبَتِهِ مَا لَمْ يُشَبَّ مِنْهَا؛ واهب (هدیه‌دهنده) تا زمانی که عوضی برای هدیه‌اش دریافت نکرده است، به آن سزاوارتر است» (طحاوی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۳۴؛ دارقطنی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۶۱). واهب تا زمانی که عوضی برای هبه خود دریافت نکرده، بیش از دیگران به آن حق دارد پیامبر ﷺ در این حدیث تصریح کرده است تا وقتی عوضی به واهب نرسیده، او حق دارد هدیه‌اش را بازپس بگیرد. هم‌چنین از ابوهریره روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: «تهداوا تحابوا؛ به یکدیگر هدیه دهید تا محبت میان شما ایجاد شود» (بیهقی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۶۹).

وجه استدلال: هدیه دادن، به معنای تبادل متقابل هدایا میان دو طرف است. اما این هدف ممکن است در هدایا به افراد غریبه محقق نشود. عدم تحقق این هدف، از الزام‌آور شدن عقد هبه جلوگیری می‌کند، همان‌طور که در قرارداد فروش اگر خریدار عیبی در کالا بیابد، به دلیل عدم رضایت، عقد الزام‌آور نخواهد بود. بنابراین، رضایت در این نوع معاملات هم شرط صحت و هم شرط الزام است (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۲۸).

اجماع صحابه در این زمینه این است که بازپس‌گیری هدایا مطابق نظر صحابه‌ای چون عمر، عثمان، حضرت علیؓ، عبدالله بن عمر، ابودرداء، فضالة بن عبید و دیگران بوده

است. این صحابه همگی نظری مشابه با دیدگاه حنفیه ارائه کرده‌اند و هیچ گزارشی از مخالفت صحابه دیگر در این مورد نقل نشده است. بنابراین می‌توان این دیدگاه را اجماع صحابه دانست (همان‌جا).

هم‌چنین از منظر عقل، ممکن است انگیزه مالی در پس هبه به افراد غریبه وجود داشته باشد. انسان ممکن است به افراد غریبه هبه‌ای دهد، یا به دلیل احسان و انعام به آنها، یا به امید دریافت متقابل و جبران هدیه از سوی آنها که در عرف و عادت رایج است.

بر اساس شریعت نیز دریافت‌کننده هدیه به جبران و مقابله به مثل تشویق شده است. چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ: آیا پاداش احسان جز احسان است؟» (الرحمن، ۶۰). از ابن‌عمر نیز نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ اصْطَبَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَجَاؤُهُ، فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْ مُجَازَاتِهِ فَادْعُوا لَهُ، حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّكُمْ قَدْ شَكَرْتُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ: هر کس به شما نیکی کرد، با او مقابله به مثل کنید. اگر از جبران آن ناتوان بودید، برای او دعا کنید تا بداند که از او قدردانی کرده‌اید، زیرا خداوند شاکر است و شکرگزاران را دوست دارد» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳).

۲. نظریه امکان استرداد مشروط

فقه‌های مالکیه در مسئله بازگرداندن هدایا هنگام برهم‌خوردن نامزدی تفصیل قائل شده‌اند و بین اینکه فسخ نامزدی از سوی خواستگار باشد یا از سوی نامزد تفاوت قائل شده‌اند. اگر فسخ از سوی خواستگار باشد، حق بازپس‌گیری هیچ‌یک از هدایا را ندارد. اما اگر فسخ از سوی نامزد باشد، خواستگار حق دارد آنچه هدیه داده است را بازپس بگیرد. این تفکیک به دلیل رعایت انصاف در قبال طرفی است که نقشی در برهم‌زدن نامزدی نداشته است (دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۰؛ صاوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۸؛ مالک بن انس، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۶؛ خرقی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۲).

حنابله نیز گفته‌اند: اگر کسی به غیر از خویشاوند نزدیک خود چیزی هبه کند، حق بازپس‌گیری دارد، مگر اینکه عوضی برای آن دریافت کرده باشد. اما اگر به خویشاوند نزدیک چیزی هبه کند، حق بازپس‌گیری ندارد (همان‌جا؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۴۳). اینها به دلایل متعددی استدلال کرده‌اند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به عهدها وفا کنید» (مائده، ۱). این آیه با صراحت بر وجوب وفای به عقود دلالت دارد. هبه نیز همانند دیگر عقود، الزامی است و باید به آن وفادار بود. هبه پس از قبض، عقدی لازم محسوب می‌شود. برخی از فقها نیز بر این باورند که هبه حتی پیش از قبض نیز لازم است و الزام آن جز با عاملی به همان شدت، قابل فسخ یا نقض نیست (ابن‌رشد، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۳۳۲؛ سیوطی، ۲۰۱۴م، ج ۲، ص ۲۲۴).

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الْعَائِدُ فِي هِبَتِهِ كَالْعَائِدِ فِي قَيْنِهِ: کسی که هبه خود را بازپس گیرد، مانند کسی است که از قی به استفراغ باز می‌گردد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۵۸). این حدیث، بازپس‌گیری هبه را مذمت کرده و آن را به بازگشت به قی تشبیه کرده است (ابن‌رشد، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۳۳۲). همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةً نَكَحْتَ عَلَى صَدَاقٍ أَوْ حِبَاءٍ أَوْ عِدَّةٍ قَبْلَ عِصْمَةِ النِّكَاحِ، فَهُوَ لَهَا، وَمَا كَانَ بَعْدَ عِصْمَةِ النِّكَاحِ، فَهُوَ لِمَنْ أُعْطِيَ، وَأَحَقُّ مَا أُكْرِمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ أَنْ يَنْتَهَ أَوْ أُخْتَهُ: زنی که پیش از عقد نکاح، مهر یا هدیه‌ای دریافت کند، آن هدیه متعلق به اوست. اما آنچه پس از عقد نکاح به او داده شود، برای کسی است که به او داده است و شایسته‌ترین چیزی که مرد می‌تواند به آن افتخار کند، هدیه‌ای است که به دختر یا خواهرش می‌دهد» (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۴۱).

وجه استدلال: اگر نکاح پیش از دخول فسخ شود، شوهر حق دارد تمامی هدایایی را که به زن داده است، بازپس گیرد (غریانی، ۱۹۷۰م، ج ۲، ص ۵۰۴). عقل نیز مقتضی آن است که رجوع از هبه درست باشد؛ زیرا هبه با شرط بقای عقد انجام شده است؛ بنابراین اگر عقد از بین برود، واهب (دهنده هبه) حق رجوع خواهد داشت. همچنین از دیدگاه مالکیه، هبه عقدی است که به موجب آن مالکیت بدون عوض منتقل می‌شود، نه به‌خاطر پاداش یا جبران. این انتقال مالکیت صرفاً برای خشنودی و رضایت واهب، بدون هیچ عوضی صورت می‌گیرد. از این رو رجوع از هبه جایز است (عبدری غرناطی، ۲۰۰۰م: ج ۳، ص ۸؛ قرافی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۳).

۳. نظریه عدم امکان استرداد

از نظر شافعیه بازپس‌گیری آنچه خواستگار به نامزدش هدیه داده است جایز نیست، حتی اگر نامزدی بر هم بخورد؛ زیرا هدایا به منزله هبه هستند و هبه عقدی لازم است که رجوع در آن امکان‌پذیر نیست. این عقد، انتقال مالکیت مال بدون عوض است و بازپس‌گیری هبه صحیح نیست، به‌ویژه اگر مال مورد هبه تحویل داده شده یا توسط موهوب‌له قبض شده باشد» (شافعی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۳؛ غزالی، ۱۹۸۰م، ج ۴، ص ۲۶۳). شافعیه به این آیات قرآن کریم استدلال نموده‌اند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ: و بر نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید» (مائده، ۲). هم‌چنین فرموده است: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالتَّنْبِيْنِ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ: ولی نیکوکاری کسی است که به الله و روز آخرت و فرشتگان و کتابها و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود محبت به آن به بستگان نزدیک، یتیمان، مسکینان و مسافران بدهد» (بقره، ۱۷۷).

این آیات قرآن در خصوص نیکوکاری و بخشش، به اهمیت کمک به نیازمندان و بخشش بدون چشم‌داشت اشاره دارند. در تحلیل شافعی، هدایا در دوران نامزدی به‌عنوان هبه تلقی می‌شود که در آن مالکیت به‌طور کامل منتقل شده و بازپس‌گیری آن برخلاف اصول نیکوکاری است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمودند: «الْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْعَائِدِ فِي قَيْبِهِ کسی که هبه خود را بازپس‌گیرد، مانند کسی است که به قی خود بازمی‌گردد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۵۸).

وجه استدلال: این حدیث صحیح، رجوع از هبه را حرام اعلام کرده و آن را به بازگشت به قی تشبیه نموده است. همان‌طور که قیء کردن حرام است، رجوع از هبه پس از قبض نیز حرام است. در روایت دیگری پیامبر ﷺ فرمودند: «الْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَقِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْبِهِ: کسی که در هبه خود بازمی‌گردد، مانند سگی است که استفراغ می‌کند و به آن بازمی‌گردد» (همان‌جا).

وجه استدلال: اگرچه رفتار سگ وصف حرمت شرعی ندارد، اما دارای قیح طبیعی است. از این رو رجوع از هبه به لحاظ شرعی و اخلاقی مذموم است (نووی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۷۰؛ شاطبی، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۳۲-۳۳۱). دلایل عقلی این است که هبه عقدی برای

انتقال مالکیت است و مطلق این عقد بازگشت را در بر نمی‌گیرد، همان‌گونه که در عقد بیع نیز بازگشت ممکن نیست؛ زیرا رجوع، با هدف انتقال مالکیت منافات دارد و هیچ عقدی نمی‌تواند موجبی برای نقض هدف اصلی خود باشد (ماوردی، ۲۰۱۷، ج ۱۰، ص ۴۵۵) و هم‌چنین هبه به دلیل آنکه انتقال مالکیت بدون عوض است، با انعقاد عقد لازم می‌شود، مشابه وقف و عتق است و در روایت بازگشت به قی حرام است؛ بنابراین رجوع از هبه نیز به همان قیاس حرام است (خرقی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۲؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۴۳).

براساس دلایل قرآنی، سنت نبوی و استدلالات عقلی، رجوع از هبه پس از قبض مشروعیت ندارد و از نظر شافعیان حرام و مذموم است.

۴. نظریه مشروطیت استرداد به نوع و وضعیت عین هدیه

از دیدگاه فقه امامیه، تقدیم هدایا از سوی نامزدها یا کسان آنان به طرف دیگر از مصادیق هبه است، و واهب می‌تواند در غیر مورد ذوی الارحام مال موهوبه را مسترد نماید. مگر اینکه مال تلف شده باشد و یا اینکه واهب یا متهب فوت کند، که در این موارد مال موهوبه قابل استرداد نیست (خمینی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، صص ۶۰-۵۹). هدایایی که در دوران نامزدی بین طرفین ردوبدل می‌شود، اگر این نامزدی به ازدواج ختم نشود، اگر آن هبه معوضه یا دیگر موانع رجوع نباشد، حق رجوع دارند (بهجت، ۱۳۷۰ش، ص ۳۸۹). فقهای امامیه، هدایای دوران نامزدی را از مصادیق هبه دانسته و معتقدند تا زمانی که موانع رجوع از هبه به وجود نیامده است، واهب می‌تواند عین موهوبه را مسترد نماید. هدایای دوران نامزدی به شرط وقوع عقد ازدواج اهدا می‌شوند و در صورت عدم تحقق این شرط، قابل استرداد هستند، مگر اینکه موانع رجوع از هبه وجود داشته باشد، که در ذیل موانع رجوع از هبه بررسی می‌شود:

۱- ذوی الارحام بودن موهوب‌له: هبه به زوج از طرف زوجه و بالعکس، هبه به غیر محارم به‌شمار آمده و از این جهت مانعی برای استرداد هدایای نامزدی وجود ندارد (جزیری، ۱۴۱۹ق، ص ۳۶۵).

۲- تلف شدن عین هبه: در فقه امامیه، تلف چه جزئی باشد و چه کلی، مانع رجوع از هبه دانسته شده است. اما استرداد هدایای نامزدی پس از تلف درست است با آنکه مال موهوبه پس از تلف قابل رجوع نیست، رجوع به این دلیل درست است که هدیه‌دهنده در

توافق نامزدی، هدایایی که عادتاً قابل نگهداری هستند (مانند طلا و زیورآلات) را به شرط وقوع عقد ازدواج در آینده، به طرف دیگر نامزدی یا اطرافیان او می‌دهد و به هیچ‌وجه هدیه‌اش به صورت مطلق اهدا نمی‌گردد. بنابراین در صورت عدم تحقق موانع رجوع از هدیه، هدیه‌ی نامزدی در فرض فوق، قابل مطالبه و استرداد است (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص ۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳۷). در فقه امامیه، بین اموالی که عادتاً نگهداری می‌شوند (مانند طلا و زیورآلات) و اموالی که عادتاً نگهداری نمی‌شوند (مانند مواد خوراکی و مصرفی)، از نظر جواز استرداد و مطالبه، تفاوت قائل شده‌اند. اصل اولی در مورد هدایایی مانند مواد خوراکی و مصرفی، بر مصرف و عدم نگهداری آنها استوار است. چنین هدایایی از همان ابتدا به صورت منجز (بدون شرط) به موهوب‌له تملیک می‌گردد و موهوب‌له از ابتدا مالک این نوع هدایا محسوب می‌شود. به همین جهت، این نوع هدایا در صورت مصرف، قابل استرداد نیستند (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۰۲). به نظر می‌رسد که این تفاوت ناشی از ماهیت متفاوت این دو نوع هدیه است: هدایایی که عادتاً نگهداری می‌شوند، به شرط وقوع عقد ازدواج اهدا می‌گردند و در صورت عدم تحقق این شرط، قابل استرداد هستند و اما هدایایی که عادتاً نگهداری نمی‌شوند، به صورت منجز و بدون شرط تملیک می‌شوند و پس از مصرف، امکان استرداد آنها وجود ندارد.

۳- معوض بودن هبه: اگر هبه به صورت معوض انجام شده باشد، رجوع از آن ممکن نیست.

۴- قصد تقرب داشتن در هبه و صدقه محسوب شدن آن: اگر هبه با قصد تقرب به خداوند و به عنوان صدقه انجام شده باشد، رجوع از آن جایز نیست.

۵- فوت یکی از طرفین عقد هبه: در صورت فوت یکی از طرفین عقد هبه، رجوع از هبه امکان‌پذیر نیست (خمینی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، صص ۶۰-۵۹).

بازپس‌گیری هدایای نامزدی در حقوق ایران و افغانستان

قانون مدنی افغانستان در ماده ۶۵ تصریح می‌نماید: «هرگاه نامزد به نامزد خود هدیه داده باشد، هدیه‌دهنده می‌تواند در صورت انصراف جانب مقابل و موجودیت هدیه، عین یا قیمت روز خرید آن را مطالبه نماید. اگر انصراف از طرف هدیه‌دهنده صورت بگیرد یا هدیه هلاک یا استهلاک گردیده باشد، رد آن را به هیچ صورت مطالبه کرده نمی‌تواند در

صورتی که گیرنده هدیه از آن انصراف دهد، هدیه‌دهنده حق دارد هدایای خود را، به شرطی که هنوز موجود باشند، دوباره مطالبه نماید. اگر هدایای مذکور دیگر موجود نباشند و به مصرف رسیده باشند، هدیه‌دهنده می‌تواند قیمت آنها را مطابق با زمان خرید، از گیرنده مطالبه کند. اما در صورتی که هدیه‌دهنده از نامزدی انصراف دهد، حق پس گرفتن هدایا را نخواهد داشت». در متن قانون، تفاوتی بین اموال منقول و غیرمنقول قائل نشده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هم اموال منقول و هم اموال غیرمنقول تحت پوشش این قانون قرار دارند قانون مدنی افغانستان بخش احوال شخصیه افغانستان در این مسئله با مذهب حنفی مخالفت کرده است دیدگاه مالکیه و حنابله را ترجیح می‌دهد که بر اساس آن، در صورتی که انصراف از نامزدی از سوی نامزد (مرد) باشد، هدایا بازگردانده نمی‌شوند. این تصمیم به این دلیل است که ضرر انصراف از نامزدی و بازگرداندن هدایا، نباید هم‌زمان بر نامزد (زن) وارد شود. اما اگر انصراف از نامزدی از سوی نامزد (زن) باشد، در این حالت نامزد (مرد) حق دارد هدایا را که به‌منظور ازدواج تقدیم کرده است، بازپس گیرد و در حقوق ایران پس از به هم خوردن نامزدی، هر یک از نامزدها می‌تواند به طرف دیگر رجوع کرده و هدیه‌ای که داده است را پس بگیرد. به موجب ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی، هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن وصلت، هدایایی را که به طرف مقابل یا والدین او برای وصلت داده است، مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد، مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که معمولاً نگهداری می‌شوند، مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف مقابل تلف شده باشد. با این حال، اگر وصلت در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد و هدیه داده شده در اثر تقصیر متوفی تلف شده باشد، رجوع به قیمت ممکن نیست (ماده ۱۵۳۸ ق.م.). چنان‌که از ماده ۱۰۳۷ ق.م. برمی‌آید، هدایای دوران نامزدی وضع خاصی دارند و برای وصلت منظور داده می‌شوند؛ یعنی کسی که به نامزد خود هدیه می‌دهد، آن را به شرط وقوع ازدواج در آینده می‌دهد و طرف مقابل نیز هدیه را با همان شرط می‌پذیرد. البته این شرط غالباً یک شرط ضمنی است و گاهی نسبت به آن تصریح می‌شود. توافق دو طرف درباره هدایای نامزدی، چه صریح و چه ضمنی، به نوع هدیه نیز بستگی دارد. قانونگذار برای هر یک از هدایایی که مصرف شدنی‌اند یا معمولاً نگهداری می‌شوند، حکم خاصی مقرر کرده است. در صورت بر هم خوردن وصلت، نامزدها می‌توانند هدایای خود را استرداد کنند (ماده ۱۰۳۷)؛ چون

هدایای نامزدی بی‌قید و شرط تملیک نشده‌اند. پس استرداد هدایا در صورت بر هم خوردن نامزدی شرط ضمنی متعارف است.

استرداد هدایای دوران نامزدی در قانون مدنی ایران به عقیده برخی از استادان استرداد هدایای نامزدی احکام ویژه‌ای دارد، ممکن است با استناد به مفهوم مخالف ماده ۱۰۲۷ ق.م. گفته شود که استرداد هدایا قبل از به هم خوردن نامزدی جایز نیست. عرف و عادت و اراده ضمنی طرفین هم این نظر را تأیید می‌کند. لیکن، چنان‌که گفته شد، نامزد می‌تواند بعد از فسخ نامزدی برای استرداد هدایای موجود رجوع کند (گرجی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۸). هر یک از نامزدها در صورت به خم خوردن وصلت...» که شامل بر هم زدن نامزدی توسط طرفین می‌گردد. حتی بنظر می‌رسد «عذر موجه» که در ماده ۱۰۳۶ ملحوظ شده در این ماده در نظر گرفته نشده است. بنابراین حکم ماده عبارت از این است که نامزدی در صورتی که با عذر موجه یا بدون آن به هم بخورد، حق مطالبه هدایا برای طرفین نسبت به هر گونه هدیه اعم از اینکه از طرف برهم‌زننده اهدا شده باشد یا از طرف مقابل، وجود خواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۴۱).

تفکیک هدایای مصرف‌شدنی و نگهداری‌شونده برای هدایایی که عرفاً مصرف‌شدنی‌اند، گرچه به امید وقوع نکاح در آینده داده می‌شوند، در صورتی که نامزدی پس از مصرف شدن هدایا فسخ شود، قابل مطالبه نیست؛ زیرا هدیه‌دهنده قصد دارد که نامزدش آنها را مانند هر مالک دیگر مصرف کند و او نیز به همان قصد هدایا را می‌پذیرد. برعکس، هرگاه عین هدایا باقی بماند، هدیه‌دهنده می‌تواند آنها را پس بگیرد، خواه نامزدی فسخ شده باشد یا نه؛ زیرا هدیه از انواع هبه است و بعد از قبض نیز، واهب می‌تواند با بقای عین موهوبه از هبه رجوع کند (ماده ۸۰۳ ق.م).

قانون مدنی میان اموال تفکیک قائل شده و در مورد اموالی که عادتاً نگهداری می‌شود اجازه مطالبه قیمت داده است، معیار تمیز اموالی که عادتاً نگهداری می‌شود (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۴۱). بنابراین چنانچه هدایای قابل نگهداری به علت سهل‌انگاری یا تقصیر متهب تلف شود، واهب می‌تواند مثل یا قیمت آن را مطالبه نماید. اما در مورد مواد خوراکی و اشیاء مصرفی چون اصل بر مصرف و عدم نگهداری آنهاست، از همان ابتدا تملیک به نحو منجز صورت می‌گیرد و چنین اشیائی قابل استرداد نیست (همان، ص ۴۰).

استثنائات در صورت فوت یکی از نامزدها (ماده ۱۰۳۸) تنها مسئله‌ای که در این میان باقی می‌ماند تفاوت دیگری است که میان اعیان موهوبه و هدایای نامزدی وجود دارد، و آن این است که به موجب مفهوم ماده ۱۰۳۸ قانون مدنی چنانچه نامزدی به علت فوت احد از طرفین به هم بخورد و عین هدایای نامزدی موجود باشد، قابل استرداد خواهد بود. در حالی که به موجب قواعد حاکم بر هبه پس از فوت واهب یا متهب اموال موهوبه قابل برگشت نیست. این تفاوت در نخستین نگاه به چشم می‌خورد، ولی با امعان نظر و عنایت به توضیحی که در بالا بیان گردید مطلب قابل توجیه است. زیرا هبه‌دهنده در نظر داشته که مال را به شخصی که در صورت بقای وصلت را انجام خواهد داد بخشیده است (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۴۱). طبق قانون مدنی ایران، در صورت فسخ نامزدی، طرفین می‌توانند هدایای داده‌شده را پس بگیرند. این حق شامل هدایای مصرفی و نگهداری‌شونده است، اما برای هدایای مصرفی، امکان مطالبه وجود ندارد. در صورت فوت یکی از طرفین، هدایا باید مسترد شوند، اما قیمت هدایای غیرموجود قابل مطالبه نیست.

نتیجه

این پژوهش با بررسی تطبیقی بازپس‌گیری هدایای نامزدی در فقه اسلامی و قوانین مدنی ایران و افغانستان نشان می‌دهد که نامزدی در فقه اسلامی به‌عنوان «وعده اخلاقی» غیرالزام‌آور شناخته می‌شود، اما هدایای مبادله‌شده به دلیل شرط ضمنی وقوع ازدواج، از جایگاه حقوقی ویژه‌ای برخوردارند. در فقه اسلامی، اختلاف نظری چشمگیر بین مذاهب وجود دارد: فقه حنفی بازگرداندن هدایا را در صورت موجودیت عین جایز می‌داند، شافعی آن را ناپسند شمرده و امامیه با استناد به «هبه با شرط نتیجه»، استرداد هدایا را در صورت فسخ نامزدی الزامی می‌کند. در قوانین مدنی، ایران (ماده ۱۰۳۷ ق.م) با تفکیک هدایای مصرفی و غیرمصرفی، بازگرداندن اموال غیرمصرفی مانند طلا را عیناً ضروری دانسته، در حالی که افغانستان (ماده ۶۵ ق.م) حق استرداد را منوط به طرف فسخ‌کننده نموده است و از نظریه مالکیه و حنابله پیروی نموده است.

هر دو نظام حقوقی بر اصل شرطیت نکاح در اعتبار هدایا تأکید دارند و تمایز بین اموال مثلی و قیمی را پذیرفته‌اند. با این حال، تفاوت‌های مبنایی قابل توجه است: قانون ایران مبتنی بر فقه امامیه، هدایا را مشروط به تحقق ازدواج می‌داند و در صورت فوت،

باقی‌مانده‌ها را ترکه متوفی محسوب می‌کند، در حالی که افغانستان تحت تأثیر فقه حنفی، هدایا را «عاریه مؤبده» تلقی کرده و حق استرداد را به وراث منتقل می‌نماید. چالش اصلی، ابهام در تشخیص هدایای شرطی از قطعی و ناهماهنگی بین قوانین مدنی و عرف اجتماعی است.

پیشنهادها

۱. تدوین ضوابط شفاف برای تفکیک هدایای شرطی و قطعی در قوانین مدنی.
۲. الزام تنظیم سند رسمی برای هدایای با ارزش بالا جهت تسهیل اثبات دعاوی.

فهرست منابع

- قرآن کریم.

- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۹۸۹م). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*. بیروت: دارالفکر.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۲۰۰۹م). *أحكام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دارالفکر.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). *المغنی*. قاهره: مکتبة القاهرة.
- ابن مازه، محمود بن احمد (۱۴۲۴ق). *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم (بی تا). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*. بیروت: دارالکتب الإسلامی.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۱ق). *سنن ابی داود*. بیروت: دارالفکر.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۰ش). *حقوق مدنی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، مسعود، و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸ش). *دانشنامه حقوق خصوصی*. تهران: جنگل.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
- بعلی، محمد بن ابی الفتح (۱۴۲۳ق). *المطلع علی الفاظ المقنع*. جده: مکتبة السوادی.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۰ش). *استفتائات*. قم: دفتر آیت الله بهجت.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق). *السنن الکبری*. بیروت: دارالفکر.
- تبریزی، جواد (۱۳۸۵ش). *استفتائات جدید*. قم: سرور.
- جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، و مازح، یاسر (۱۴۱۹ق). *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت* ﷺ. بیروت: دارالتقلین.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸ش). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۸۶ش). *حقوق مدنی (۵) خانواده*. تهران: دانش نگار.
- خرشی، محمد بن عبدالله (بی تا). *شرح مختصر خلیل*. بیروت: دارالفکر.
- خرقی، عمر بن حسین (۱۴۳۱ق). *متن الخرقی*. بیروت: دارالفکر.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷ش). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۲۴ق). *سنن الدارقطنی*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). *حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر*. بیروت: دارالفکر.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷ش). *حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن*. تهران: میزان.

- رصاع، محمد بن قاسم (۱۳۵۰ق). الهدایة الکافیة الشافیة لبيان حقائق الإمام ابن عرفة الوافیة. بیروت: المكتبة العلمية.
- رومی بایرتی، محمد بن محمد (بی‌تا). العناية شرح الهدایة. بیروت: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه (بی‌تا). الفقه الإسلامی و أدلته. دمشق: دارالفکر.
- زراعت، عباس، و غزالی، عبدالأمیر (۱۳۸۸ش). فرهنگ لغات حقوقی. تهران: خط سوم.
- زیلعی، عثمان بن علی (۱۳۱۳ق). تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق و حاشیة الشلبی. قاهره: المطبعة الكبرى الأمیریة.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۲۰۱۴م). تنویر الحوالک فی شرح موطأ مالک. بیروت: دارالفکر.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (بی‌تا). الموافقات. قاهره: مكتبة محمدعلی صبیح.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۲۱ق). الأم. بیروت: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام الی تفتیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
- صاوی، احمد بن محمد (بی‌تا). حاشیة الصاوی علی الشرح الصغير. بیروت: دارالفکر.
- صفایی، سید حسین، و امامی، اسدالله (۱۳۸۴ش). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). المعجم الأوسط. بیروت: دارالفکر.
- طحاوی، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق). شرح مشکل الآثار. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- عبدری غرناطی، محمد بن یوسف (۲۰۰۰م). التاج و الإکلیل لمختصر خلیل. بیروت: دارالفکر.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الفروق فی اللغة. قاهره: دارالعلم.
- عینی، محمود بن احمد (۲۰۰۰م). العناية شرح الهدایة. بیروت: دارالفکر.
- غریانی، صادق عبدالرحمن (۱۹۷۰م). مدونة الفقه المالکی و أدلته. بیروت: دارالفکر.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۹۸۰م). الوسيط فی المذهب. بیروت: دارالفکر.
- قرافی، احمد بن ادريس (بی‌تا). الذخيرة. بیروت: دارالفکر.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمية.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۲ش). بررسی حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- مالک بن انس (بی‌تا). المدونة الكبرى. بیروت: دارالفکر.
- ماوردی، علی بن محمد (۲۰۱۷م). الحاوی الكبير. بیروت: دارالفکر.

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۸ش). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرغینانی، علی بن ابی بکر (۲۰۰۹م). *بداية المبتدی فی فقه الإمام أبی حنیفة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۸۷ش). *فرهنگ فارسی*. تهران: فرهنگ نما.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات*. تهران: کیهان.
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا). *المجموع شرح المهدب*. بیروت: دارالفکر.